

اسناد بیانیه‌های الجزایر

- مستخرج از پیام امام
خمینی مورخ 59/6/22
- گزارش شهید رجایی در
مورد حل و فصل
- مسئله گروگانها به مجلس

شوراي اسلامي

● موافقتنامه امانی

● ترتیبات فنی

اشاره :

در شماره قبل برخی اسناد مربوط به بیانیه‌های الجزایر چاپ شد. در این شماره نیز اسناد دیگری در همین رابطه به نظر خوانندگان می‌رسد. جا داشت که مستخرج از پیام حج مورخ 59/6/22 امام خمینی مدّ ظلّه العالی در شماره قبل منتشر می‌گردید، ولی به لحاظ بعضی مشکلات انتشاراتی لامحاله به این

شماره ماحول شد. ضمناً لازم به یادآوری است که متن فارسی موافقتنامه امانی و ترتیبات فنی، ترجمه غیررسمی متون اصلی آنها است. در شماره بعد مقررات و آیین دادرسی مورد عمل دیوان داوری (یونسیترال) چاپ خواهد شد.

مستخرج از:
پیام حج امام خمینی
مورخ 59/6/22

«... بارها گفته‌ام که گروگانگیری توسط دانشجویان مسلمان و مبارز و متعهد ما عکس‌العمل طبیعی صدماتی است که ملت ما از آمریکا خورده است. فعلاً با بازپس دادن اموال شاه معدوم و لغو تمام ادعاهای آمریکا علیه ایران و ضمانت به عدم دخالت سیاسی و نظامی آمریکا در ایران و آزاد گذاشتن تمامی سرمایه‌های ما آزاد می‌گردند که البته این امر را محول به مجلس اسلامی نموده‌ام تا آنان به هر نحو که صلاح می‌دانند عمل نمایند...».

گزارش شهید محمدعلی رجایی
نخست‌وزیر وقت، درباره حل مسئله
گروگانها و بیانیه الجزایر، به
مجلس شورایی¹

بسم الله الرحمن الرحيم

در پی پیام حج سال گذشته امام امت و رهنمودهای ایشان مبنی بر مبارزه با امان با آمریکا، و همچنین به منظور عینیت بخشیدن به خشم و نفرت عمیق امت مسلمان نسبت به آمریکا و آخرین توطئه اش یعنی پناه دادن به شاه معدوم، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام اقدام به اشغال جاسو سخانه آمریکا در تهران کردند. این عمل ابتکاری و در عین حال متهورانه، بازتابهای مختلفی در جامعه انقلابی ما ایجاد کرد. عده ای که بر ایشان زیر پا گذاشتن به اصطلاح قوانین بین‌المللی، آنهم در رابطه با ابرقدرتها باور کردنی نبود، وحشتزده منتظر

1. شهید رجایی در یکصد و دومین جلسه علنی مورخ دوشنبه 1359/11/6 دوره اول مجلس شورای اسلامی حضور یافته و این گزارش را تقدیم نموده است. (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، انتشارات اداره کل تندوبیسی مجلس شورای اسلامی).

عکس‌العمل‌های تند و خشن آمریکا و حیثاً از دست رفتن ثمرات انقلاب بودند؛ گروهی نیز حیرت‌زده در انتظار پایان کار به سر می‌بردند؛ و گروه سوم یعنی گروه‌های مخالف اسلام و انقلاب، از همان آغاز با تهمت و افتراهای گوناگون، حرکت را محکوم کردند.

در این میان عکس‌العمل امام و امت شگفت‌انگیز و خلاف انتظار بود. امام در همان اولین لحظات اشغال جاسوسخانه، نه تنها اقدام انقلابی دانشجویان را تأیید کرده و آن را انقلابی بزرگتر از انقلاب اول خواندند، بلکه خود پیشاپیش این حرکت، رهبری آن را عهده‌دار شدند. امت قهرمان و انقلابی نیز در پی صحنه امام، یکپارچه اقدام انقلابی مزبور را تأیید کردند.

در بادی امر آمریکا با تصویری که از گذشته داشت و با امید نفوذ در انقلاب اسلامی ما، از در نرمش و سازش درآمده و هیأتی را برای مذاکره به ایران اعزام داشت. فرمان خشم‌آلود و رعدآسای امام که هر نوع مذاکره و سازشی را نفی می‌کرد، آنها را در آسمان می‌خکوب و وادار به

بازگشت کرد؛ لذا آمریکا ناچار به برملا ساختن چهره واقعی و کریه خود در قبال انقلاب اسلامی، از پس نقابهای مناقضانه گردید. دستور توقیف اموال و سپرده‌های ما که متأسفانه 9 ماه پس از انقلاب هنوز در بانکها و مؤسسات آمریکایی بود صادر شد. خرید نفت، تحریم و دستور محاصره اقتصادی ایران صادر گردید.

ملت مسلمان ایران براساس رهنمودهای امامش با تمام این پیامدها مقابله کرد و با روزه به جنگ حصر اقتصادی رفت. آمریکا از روی یأس و ناامیدی به قطع رابطه با ما دست زد و امامان فرمود که «ما رابطه با آمریکا را می‌خواهیم چه کنیم؟ الهی که به خطر بیفتد».

شیطان بزرگ، درمانده و حیران، دست به اقدامات عصبی و بی‌نتیجه‌ای زد که جز برملا شدن چهره کثیفش نتیجه‌ای به بار نیاورد. حمله مستقیم نظامی به طبرس که حرکتی به مراتب مفتضحانه‌تر از حمله به خلیج خوکها بود، تنها به یاری خدا با شکست و ناکامی روبه‌رو شد: «و مکرو او مکرالله و الله خیر الماکرین». کودتای آمریکایی نوژه و بمب‌گذاریهای مکرر حتی

در نقاط پرجمعیت تهران، هیچ يك به نتیجه نرسید و در آخرین مرحله، حمله نظامی صدام به دستور آمریکا آغاز گردید و هنوز نیز ادامه دارد.

پس از آنکه حرکت انقلابی دانشجویان ثمرات خود را به بار آورد، امام امت در پیام حج امسال خویش، تصمیم‌گیری در این زمینه را به‌عهده مجلس شورای اسلامی گذاشتند و مجلس نیز در 11 آبان ماه شرایط آزادی گروگانها را اعلام و به دولت ابلاغ کرد و دولت نیز براساس مصوبه مزبور اقدام [کرد] و به نتایج مناسب دست یافت.

حال که با آزادی گروگانها این مرحله از جنگ ما با آمریکا تغییر شکل می‌یابد، ارزیابی نتایج و ثمرات این حرکت انقلابی، خصوصاً با توجه به تخطئه مخالفین ضروری به نظر می‌رسد.

به اعتقاد ما اشغال جاسوسخانه و گروگانگیری جاسوسان و مأموران آمریکایی در ایران، نتایج مثبت خارجی فراوان به همراه داشت. از نظر خارجی، اشغال جاسوسخانه به افسانه شکستناپذیری آمریکا پایان داده و به مستضعفین جهان

نشان داد که ابرقدرتها هرچند خشمگین و مصمم، در مقابل ایمان و اراده مردم متحد «هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند». البته منظور این نیست که ابرقدرتها و در رأس آنها آمریکا قادر به توطئه بر علیه مستضعفین و انقلاب آنان نبوده و نخواهند بود، بلکه غرض این است که این توطئه‌ها هرگز نخواهد توانست که یک ملت به‌پا خاسته با ایمان را به زانو درآورده و وادار به تسلیم و سازش کند. همچنین اشغال جاسوسخانه و برملا شدن فعالیت‌های درون آن، ماهیت به‌اصطلاح سفارتخانه‌های ابرقدرتها را برای جهانیان روشن‌تر کرده و نشان داد که تحت پوشش مصونیت سیاسی، چه توطئه‌ها در داخل همین «سفارتخانه‌ها» بر علیه مخالفین ابرقدرتها تدارک می‌شود. و بالاخره اشغال جاسوسخانه و دستگیری گروگان‌ها حداقل آمریکا را در اعمال جاسوسی خود در کشورها مختلف جهان وادار به حزم و احتیاط بیشتری کرد.

ثمرات داخلی اشغال جاسوسخانه به مراتب پرارزش‌تر از نتایج خارجی آن است. این حرکت انقلابی وحدت و یکپارچگی مردم

ما را بر گرد امام و خط امام دو چندان کرده و مقاومت آنها را در قبال شدائد و حصر اقتصادی بالا برده، گرچه که از این روحیه مقاومت و حتی آمادگی برای روزه استفاده نشده. ماهیت واقعی آمریکا از نظر تمام مردم ما به خوبی شناخته شد. دیگر کمتر کسی است در ایران که نسبت به جنایات و توطئه‌های آمریکا در رابطه با انقلاب و مردم مسلمان ما بی‌اطلاع باشد.

اشغال جاسوسخانه به شعار «بعد از شاه نوبت آمریکا است» تحقق عینی بخشید. به‌راستی تا زمان اشغال جاسوسخانه هنوز نوبت آمریکا فرانسیده بود. اشغال جاسوسخانه بر روی تمام این تحلیلها و ارتباطات باطل، خط ابطال کشید و خط «نه شرقی نه غربی» امام را طوعاً و یا کره‌اً بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی حاکم کرد؛ سیاستی که در عین مبارزه بی‌امان با غرب جنایتکار، کوچکترین امیدی به شرق تجاوزگر نداشته و در مقابله با سلطه‌طلبی شرق، دست نیاز به سوی غرب دراز نمی‌کند و بالاخره سیاست موازنه منفی حکومت‌های ملی‌گرای منطقه در گذشته نه چندان دور، جای خود را به سیاست

خارجي مکتبي فوق الذکر داد. کنار آمدن با آمریکا و یا شوروي به شکلي که نه سیخ بسوزد و نه کباب، در سیاست خارجي جمهوري اسلامي، از آن پس دیگر محلي از اعراب نداشت.

افشای اسناد جاسو سخانه نیز که مک فراواني به امت شهید پرور ما در شناخت چهره واقعي عناصر به ظاهر ملي، گروه هاي به ظاهر چپ و حتي به ظاهر ضد آمريکايي و همچنين سلیقه هاي غيرانقلابي ما یل به سازش با آمریکا کرد؛ سلیقه هاي که میرفت تا در صورت موفقیت، امام را براي جلب رضایت آمریکا از صحنه سیاست خارجي کنار زده و فعالیت دادگاه هاي انقلاب و غیره را متوقف کند.

اشغال جاسوسخانه سبب محاصره اقتصادي و انزوای ما گردید که به نظر ما یکی از ثمربخشترین نتایج این حرکت انقلابي بوده است. به اعتقاد ما دولت جمهوري اسلامي باید فرداي پیروزي انقلاب، خود داوطلبانه روابط اقتصادي را با آمریکا قطع می کرد و به قول امام به استقبال این انزوای سازنده می رفت، و عدو سبب این خیر شد.

در اثر اشغال جاسوسخانه، آمریکا از ادامه سیاست‌های منافقانه که تصور می‌کرد بالاخره امکان بازگشت به ایران را فراهم می‌کند، مأیوس شد و به‌ناچار به قطع روابط با ایران اقدام کرد و سپس برخلاف تمام قوانین بین‌المللی که خود برای آن سینه چاک می‌کرد، توطئه نظامی طمس را تدارک دید. حرکات مزبور نشانه این بود که دیگر آمریکا امکانی برای نفوذ خود به درون انقلاب از راه‌های منافقانه و توأم با نرمش و سازش نمی‌یابد. این ناامیدی و غضب، کار را به‌جایی کشاند که رؤسای جمهور آمریکا - کارتر و ریگان - در مصاحبه‌های رسمی خود، همه ملت ما را آدم ربا و بربر می‌نامند.

در حل ماجرا نیز ما موفق شدیم که آمریکا را وادار به تعهدات بین‌المللی در رابطه با عدم مداخله در امور داخلی ایران و بازپس دادن اموال شاه و بستگانش بنمائیم؛ گرچه می‌دانیم که آمریکا به تعهد اولش از لحظه امضا و پیش از آن وفادار نمانده و از اموال شاه و بستگانش نیز احتمالاً چیزی به دست نمی‌آید. در مورد سپرده‌ها و دارایی‌های

ایران نیز همین قدر که بتوانیم حق خود را از این جهانخوار گرفته و یا با تعهدات معتبر، وی را وادار به دادن حقوقمان کنیم، پیروزی بزرگی خواهد بود.

تعهدات ایالات متحده

به دنبال اعلام آخرین پاسخ دولت جمهوری اسلامی ایران، در تاریخ 12 دی ماه 1359 نمایندگان دولت الجزایر به دنبال مذاکرات طولانی با دولت آمریکا، با پیش نویس دو بیانیه صادره از سوی دولت جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر درباره:

- 1) اصول کلی برای اجرای مصوبه مجلس شورای اسلامی در رابطه با 52 گروهان ملت ایران،
- 2) حل و فصل ادعاهای فیمابین دو دولت.

اساس کار بر این بود که چنانچه دو دولت با مفاد این بیانیه موافقت کرده و این موافقت را رسماً اعلام [نموده] و به آن ملحق شوند، اصول پذیرفته شده به عنوان یک تعهد بین المللی برای هر دو

طرف لازم الاجرا گردد. رسیدن به يك توافق رسمي براي تشكيل يك هيئت داوري مورد قبل طرفين از اين جهت جهت مقتضي بود که عملاً لغو دعاوي عليه ايران در دادگاههاي آمريکا و فسخ احکام توقيف صادره براي اموال و داراييهاي ايران در اين کشور، بدون پيشبيني چنين مکانيزمي امکان نداشت و دولت آمريکا ناگزير بود با ارائه اين توافق به دادگاهها مدعيان را به قبول حکميت و رسيدگي به دعاوي در خارج از دادگاه مجبور سازد و با جانشين ساختن حکميت بين المللي، موجبات لغو دعاوي عليه ايران و احکام توقيف صادره را فراهم آورد. در مراحل مذاکره درباره مفاد بيانيهها، توافقنامه ديگري به منظور روشن کردن تعهدات مالي متقابل و نحوه نقل و انتقال سپردهها تنظيم گردید که تعهدات دولت جمهوري اسلامي ايران و دولت ايالات متحده آمريکا در رابطه با بيانيه دولت جمهوري دموکراتيك مردم الجزاير خوانده شد. متن فارسي و انگليسي اين سه سند همراه با بيانيههاي پذيرش رسمي آنها و ساير اسناد مربوط به نقل و انتقال سپردهها و آزادي گروگانها

تقديم مجلس شوراي اسلامي ايران مي‌گردد. متن پاسخهاي مورخ اول آذر 1359 و 27 آذر 1359 دولت جمهوري اسلامي ايران و همچنين پاسخهاي مورخ 17 آبان 1359 و 13 آذر 1359 ايالات متحده امريكا قبلاً براي اطلاع رياست و نمايندگان محترم مجلس شوراي اسلامي ارسال گردیده است. كليه صورت مذاكرات با هيئت الجزايري تا تاريخ 22 دي 1359 براي مجلس شوراي اسلامي ارسال [گردیده] و از تاريخ فوق تا پايان مذاكرات متعاقباً ارسال خواهند گرديد.

براساس بيانيه دولت الجزاير و پذيرش آن از طرف دولت ايالات متحده امريكا اين دولت نسبتبه موارد زير متعهد گردیده است:

1- دولت امريكا متعهد شده است كه از طريق لغو احكام انسداد، تا حد امکان وضعيت مالي ايران را به صورت موجود قبل از 23 آبان 1358 (تاريخ صدور دستور انسداد سرمايه‌هاي ايران از طرف رئيس جمهور امريكا) باز گرداند.

2- دولت امريكا متعهد شده است كه از طريق اعمال ترتيبات پيش‌بيني شده در بيانيه مربوطه حل و فصل ادعاها و

ارجاع دعاوی به حکمیت مرضی الطرفین، به تمام اقدامات حقوقی در دادگاههای ایالات متحده که متضمن ادعاهای اتباع و مؤسسات امریکایی علیه ایران و مؤسسات دولتی آن است خاتمه داده و کلیه احکام توقیف و احکام قضایی صادره را لغو، سایر دعاوی براساس چنین ادعاهایی را ممنوع و موجبات خاتمه دادن آنها را فراهم نماید.

3- ایالات متحده امریکا متعهد شده است که از این پس در امور داخلی ایران به هر صورت مداخله نماید.

4- ایالات متحده متعهد شده است که داراییهای ایران موجود در قلمرو قضایی ایالات متحده را به شرح زیر مسترد سازد:

(الف) طلاهای متعلق به ایران و کلیه داراییهای ایران موجود نزد بانک فدرال رزرو و نیویورک به انضمام بهره متعلقه.

(ب) داراییهای نزد شعب خارجی بانکهای امریکایی با بهره متعلقه. (از این محل اقساط معوقه و اقساط آتی وامهای دولت و مؤسسات کنترل شده به وسیله دولت، بازپرداخت خواهد شد).

(پ) داراییهای نزد شعب بانکهای

امریکایی در امریکا. این داراییها به دلیل وجود احکام توقیف دادگاهها حداکثر ظرف شش ماه آزاد خواهد شد که نیمی از وجوه آزاد شده حداکثر تا یک میلیارد دلار در یک حساب تضمینی بهره دار به نام بانک مرکزی دولت الجزایر نگهداری خواهد شد که صرفاً برای تضمین پرداخت و تأدیه ادعاهای علیه ایران طبق بیانیه حلوفصل ادعا مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

(ت) داراییهای دیگر ایران شامل وجوه و اوراق بهادار و هرآنچه که در چارچوب بندهای فوق قرار نمیگیرد.

5- ایالات متحده متعهد شده است که کلیه تحریمهای تجاری علیه ایران را لغو کند.

6- ایالات متحده متعهد شده است که ادعاهای مطروحه در دادگاه بینالمللی علیه ایران را پس بگیرد.

7- ایالات متحده متعهد شده است که از اقامه دعوی توسط ایالات متحده و یا اتباع آن و یا اشخاص غیرامریکایی در دادگاههای امریکا در مورد هرگونه ادعاهای حال یا آینده علیه ایران در

رابطه با موارد زیر جلوگیری نماید:

(الف) دستگیری و توقیف گروگانها.

(ب) خسارات وارده به اموال ایالات متحده و یا اتباع ایالات متحده در داخل محوطه لانه جاسوسی

(پ) صدمات وارده به اتباع ایالات متحده و یا اموال آنها در جریان انقلاب ایران.

8- ایالات متحده متعهد متعهد شده است که موجبات بازگشت داراییهای خانواده شاه معدوم را - که در امریکا موجود باشد - به ایران از طریق زیر فراهم نماید:

(الف) انسداد و ممنوعیت انتقال اموالی که در کنترل وراثت شاه و یا هریک از بستگان نزدیک وی بوده و به عنوان خواننده از جانب ایران، بر علیه آنان در دادگاههای ایالات متحده طرح دعوا می شود.

(ب) جمع آوری اطلاعات از اشخاص مقیم در حوزه قضایی امریکا در مورد اموال مزبور و تسلیم آنها به ایران و اعمال مجازاتهای کیفری و مدنی در صورت تخلف از این امر.

(پ) اجرای مصوبه ها و احکام دادگاههای ایران در ارتباط با این

داراییها وسیله دادگاههای امریکا.
(ت) اجرای حکم نهایی دادگاهها.
(ث) ایالات متحده متعهد شده است که
ضمن پذیرش رأی هیئت داوران در مورد
هرگونه اختلاف و قصور در اجرای تعهدات
فوق، خسارات وارده به ایران را جبران
نماید.

همانگونه که مفاد تعهدات حاکی است،
ابرقدرت امریکا در مقابل خواست انقلابی
ملت ایران، به طرق زیر وادار به تسلیم
شده است:

1- ابرقدرت امریکا که همواره به
استناد افسانه عظمت و انسجام دروغین
نظام سیاسی و اقتصادی خود، امضای
هرگونه تعهد از اینگونه را آنهم نه در
مقابل همپالگه‌های چپاولگر خود بلکه در
برابری امت مستضعف و انقلابی ایران، خارج
از ضوابط امپریالیستی و دوش‌شان خود
تلقی می‌کرده است، مجبور شده که این
تعهدات را در سطح جهانی انتشار داده و
خود را به آنها پای‌بند سازد، و بی‌شک
سرپیچی احتمالی از این تعهدات در
آینده، رسوایی دیگری به پرونده سیاه
این مستکبر خواهد افزود و مستضعفان

جهان چهره کریه این جهانخوار را کریه‌تر از همیشه مشاهده خواهند کرد و ایدئولوژی دروغ و تزویر را بیش از پیش خواهند ساخت.

2- امریکای سلطه‌گر مجبور شده است که مصوبه مجلس شورای اسلامی را در رابطه با تعهد عدم مداخله بپذیرد و بدون اینکه یارای اعتراض به محتوای آن را که دال بر دخالت همیشگی این مستکبر در امور داخلی ایران است داشته باشد، به دنیا اعلام کند که دیگر - به هر صورت ممکن - پا در حریم آزادی خلق انقلابی ایران نخواهد گذاشت و مستضعفان جهان، با این پذیرش و تعهد دریافتند که افسانه حقوق بشر ادعایی سردمداران سیستم کفر جهانی، جز قریبی بیش نیست.

3- سیستم سرمایه‌داری امریکا به خروج اموال و دارایی‌ها و طلاهای ایران از قلمرو مالی و اقتصادی خود رضایت داده است و این تعهدی است که متکثرین همواره از تن دادن به آن ابا داشته‌اند.

4- ابرقدرت امریکا، مجبور شده است که آثار و عواقب حرکت انقلابی خلق مسلمان ایران در جریان انقلاب اسلامی و

حرکت انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در تسخیر لانه جاسوسی و دستگیری 52 نفر اتباع امریکا را بپذیرد و نسبت به آن تمکین نماید و احتراماً حق هرگونه اعتراض و ادعای خسارت در این رابطه را از خود و اتباع خود سلب نماید.

5- امریکای جنایتکار، بازیگر اصلی عروسکهای خیمه شببازی و سرسپردگان امپریالیسم غرب، علی‌رغم وحشت و نگرانی آشکار این عروسکان و علی‌رغم پیامدهای ناگواری که پشت پا زدن به تعهدات و پیمانهای شیطانی بین امریکا و نوکران آن خواهد داشت، مجبور شده است که مصوبه‌های قانونی و قضایی ایران را مبنی بر تعلق اموال شاه معدوم و بستگان وی به ملت ایران بپذیرد و اعلام کند که دادگاههای این کشور باید - بدون توجه به اصول و قوانین قضایی و حقوقی که می‌تواند مانع اجرای چنین مصوبه‌هایی باشد - درباره بازگشت اموال، حکم صادره کرده و خود، متعهد اجرای آن گردد.

استرداد اموال و داراییها

اموال و داراییهای ایران به چند دسته تقسیم می‌شود:

- 1- سپرده‌های نزد بانک فدرال رزرو
(شامل طلا و اوراق بهادار) به
مبلغ 2/5 میلیارد دلار
- 2- سپرده‌های نزد شعب اروپایی
بانکهای امریکایی
به مبلغ 4/8
میلیارد دلار
- 3- داراییهای نزد شعب بانکهای
امریکایی در امریکا
به مبلغ 2/2
میلیارد دلار
- 4- داراییهای دیگر در امریکا و
خارج امریکا
بین 1 تا 4
میلیارد دلار

بر اساس تعهدات دولت ایالات متحده،
دو قلم 1 و 2 از داراییهای فوق به
اضافه بهره متعلقه، تقریباً معادل 8
میلیارد دلار، قبل از آزادی گروگانها
به حساب مرکزی الجزایر واریز گردید.
داراییهای نزد شعب بانکهای امریکایی در
امریکا پس از خاتمه جریان لغو دعاوی و
احکام توقیف و ارجاع آنها به حکمیت که

تا اوایل تیرماه به طول می‌انجامد، به ایران بازخواهد گشت. دارایی‌های دیگر نیز پس از مقابله اطلاعات و ارائه اسناد و مدارک لازم، به ایران مسترد خواهد گردید و هرگونه اختلاف فی‌مابین نیز با رأی داور مرضی‌الطرفین لازم‌الاجرا خواهد بود.

از مبلغ 8 میلیارد دلار واریز شده به حساب بانک مرکزی الجزایر مبلغ 3/6 میلیارد دلار بابت اصل و بهره اقساط عقب افتاده بدهی‌های دولت ایران و مؤسسات کنترل‌شده به وسیله دولت - براساس دلایلی که ذیلاً خواهد آمد - به بانک‌های امریکایی مسترد گشته و مبلغ 1/4 میلیارد دلار نیز در حساب مخصوصی به نام بانک مرکزی الجزایر به منظور پرداخت مبالغ مورد اختلاف در مورد سپرده‌ها و بهره متعلقه به سپرده‌های ایران و مؤسسات بانکی امریکا مسدود گردیده است. این مبلغ پس از رسیدگی دقیق و رفع اختلافات به ایران یا ایالات متحده بازخواهد گشت.

انتقال ارقام موجود در شعب اروپایی بانک‌های امریکایی با یک مشکل آمده

رو به رو بود و آن اینکه در زمان رژیم شاه معدوم، مبالغی از بانکها و کمپانیهای امریکایی وام اخذ گردیده که به طور کامل پرداخت نشده و بدهیهای حاصله همچنان پابرجا بود. بانکها و مؤسسات امریکایی قبل از انتقال سپردهها جهت اطمینان از دریافت مطالبات خود تقاضای تضمین داشتند و بدون این تضمینها حاضر به آزاد ساختن سپردهها نبودند. برای آزاد ساختن سپردهها پیشنهادی زیر مطرح بود:

پیشنهاد اول که توسط بانکهای امریکایی ارائه گردید مبنی بر این بود که یک حساب ثابت به منظور تضمین پرداخت اصل و بهره وامها به مبلغ حدود 2 میلیارد دلار که معادل دو سال آینده وامهای مذکور است، در یک بانک امریکایی افتتاح گردد و موجودی حساب ایران در این بانک هیچ گاه از این مبلغ کمتر نباشد و بانک مرکزی ایران، مصونیت خود را که ناظر به معافیت از توقیف اموال قبل از رسیدگی در دادگاه است و در کشورهای جهان قانوناً به رسمیت شناخته شده است، از خود سلب نماید و بانک

مرکزی به رأی محاکم انگلیس تمکین کند. دولت نیز می‌بایست چنین تضمین و تعهدی را بدهد.

واضح است که این پیشنهاد امریکا که چیزی شبیه به قراردادهای استعماری زمان قاجاریه بود، نمی‌توانست مورد قبول قرار گیرد و لذا رد شد.

پیشنهاد دومی نیز وجود داشت و آن اینکه ایران دارایی‌های خود در بانک‌های امریکایی مقیم اروپا را بیرون نکشیده و فقط شرایط را به حالت قبل از گروگانگیری بازگرداند و روابط مالی و پولی عادی خود را ادامه دهد.

بدین ترتیب امریکا دیگر تضمین نخواست و موجودی پول ما در آنجا خود، تضمین برای امریکا خواهد بود. این پیشنهاد نیز دارای چندین اشکال بود.

اولاً نگهداری دارایی‌ها در بانک‌های امریکا یعنی ادامه روابط پولی و مالی گذشته با آن.

ثانیاً تجربه به ما آموخته است که امریکا به هیچ‌وجه تابع قوانین بین‌الملل نبوده و همان‌طور که قبلاً دارایی‌های ما را ضبط نمود، در آینده هم خیلی ساده

می‌تواند براساس شکایت يك کمپانی و حکم توقیف دادگاه، به ضبط اموال ما بپردازد. لذا این پیشنهاد نیز رد گردید.

پیشنهاد سومی که مورد توجه قرار گرفت و دارای مزایای متعددی نیز هست بدین ترتیب بود که با استرداد اصل وامها و بازپرداخت کلیه آنها به بانکها و مؤسسات امریکایی که طلبکار هستند، با آنها تصفیه حساب نماییم.

اولین نتیجه مثبت این اقدام این است که ایران خود را از زیر فشار وامهای سنگینی که بر آن تحمیل گشته بود، خلاص می‌نماید. این وامها که توسط امریکاییها پرداخت شده معمولاً براین اساس است که در مقابل پرداخت وام به‌خاطر پروژه توسط کمپانیهای امریکایی و خرید کالا از آنها این وامها پرداخت می‌گردد. در واقع پرداخت وام به‌خاطر گشایش بازار جدید در ایران جهت کالای امریکایی بوده است.

دومین نتیجه مثبت، آنکه ایران دیگر مجبور نیست بهره سنگین اینگونه وامها را که تا 22/5 درصد می‌رسید پرداخت

نمایند. این نکته قابل ذکر است که از کل وامها تنها مبلغی حدود 92 میلیون دلار با نرخ بهره کم (حدود 3 الی 7 درصد) می‌باشد و بقیه نرخ بهره بالا دارند. و بالاخره سومین نتیجه آنکه این عمل خود، آغازگر قطع ارتباط مالی و بانکی با امپریالیسم امریکا خواهد بود. با توجه به این نکات مثبت بود که دولت جمهوری اسلامی ایران ترجیح داد که به جای سپردن و دادن هرگونه تضمینی برای وامهایی که [ایران] از امریکا اخذ نموده است، اصل وامها را پرداخت و به کلی قطع ارتباط مالی و بانکی با امریکا بنماید. خوب، یک مقدار هم انتقادات شده است که با اجازه نمایندگان محترم به طور خلاصه به این انتقادات جواب می‌دهیم.

بررسی انتقادات

پس از تحلیل ثمرات اشغال جاسوسخانه و تشریح عملکرد دولت در زمینه اجرای مصوبه مجلس، در خاتمه، بررسی نظریات منتقدین ضروری به نظر می‌رسد. منتقدین بر دو دسته‌اند: یک دسته

آنها که نتایج حاصله از اقدامات دولت را مورد انتقال قرار می‌دهند و دسته دوم آنها که اشغال جاسوسخانه و پیامدهای آن را محکوم کرده و طبعاً راه‌حلها را نیز محکوم می‌کنند.

در پاسخ دسته اول عمدتاً باید به سه انتقاد پاسخ داد:

اول اینکه از داراییهای شاه چیزی به دست ما نرسیده است. در این زمینه دولت بارها اعلام کرده است که صورتی از اموال و داراییهای شاه معدوم و بستگانش در اختیار ندارد و تلاشهای یک ساله بانک مرکزی نیز در این زمینه کوچکترین نتیجه‌ای نداشته است؛ بنابراین ما خواهان چیزی هستیم که نمی‌دانیم چیست و چقدر است. ضمناً تا یک ماه پیش تنها یک شکایت علیه اموال شاه و فرح و اشرف در دادگاه نیویورک داشتیم و دیگر هیچ اقدامی در زمینه سایر بستگان نشده بود و لذا داراییهای این عده می‌توانست آزادانه نقل و انتقال یابد. آیا منتقدین راهی جز آنکه دولت رفته، برای بازگرداندن چنین اموالی سراغ داشته‌اند. و اگر داشته‌اند چرا با دولت در عرض مدت

يك سال گذشته مطرح نكرده اند؟
دوم اينكه تعهد عدم مداخله در امور داخلي ما اولاً ناظر به اعتراف به دخالت در گذشته نبوده و ثانياً ضمانت اجرايي ندارد. در اين زمينه دولت مجري مصوبه مجلس بوده كه در آن از امريكا تعهد عدم مداخله در امور داخلي ايران خواسته شده است. توضيح اين مسئله ضرورت دارد كه امريكا و هيچ كشور ديگر، ولو به قيمت جان 52 نفري كه كوچكترين ارزشي هم براي آنها قائل نيست، هرگز حاضر به اعتراف به جرم نبوده و نخواهد بود. آنها در گفتگوهاي پنهاني از امريكايان و يا واسطه‌هاي آنها چنين تعهداتي شنيده بودند. اگر مي‌خواستند آنها را بر روي كاغذ و با امضاي رئيس جمهوري امريكا به دست آورند، حتماً ناکام مي‌شدند. و اما در زمينه تضمين تعهد عدم مداخله، آيا چيزي جز ايمان و همبستگي امت مسلمان و ايستادگي آنها در قبال مداخلات امريكا و ابرقدرتهاي ديگر مي‌تواند وجود داشته باشد؟

به اعتقاد دولت جمهوري اسلامي دو بند فوق‌الذكر از مصوبه مجلس شوراي

اسلامی، بیش و پیش از آنکه ارزش اقتصادی و عملی داشته باشد، ارزش سیاسی دارد؛ والا کیست که نداند دسترسی به اموال شاه و بستگانش، پس از این همه سر و صداها و هشیاری از آنها کار ساده‌ای نیست و یا تضمین عدم مداخله امریکا در ایران امری نشدنی است؟

سومین انتقاد به عملکرد دولت این است که دارایی‌های ایران در امریکا بالغ بر 14 میلیارد دلار بوده و دولت تنها موفق به بازگرداندن 2/7 میلیارد آن گردیده است.

در پاسخ به این انتقاد باید بگوییم که اولاً مبلغ 14 میلیارد دلار، يك رقم تخمینی است. بانک مرکزی رقم سپرده‌های موجود در بانک‌های امریکایی را چیزی نزدیک به یازده میلیارد دلار می‌داند و حال آنکه طرف مقابل رقمی نزدیک به 9/5 میلیارد دلار را می‌پذیرد، و بین بانکها بیش از 1/5 میلیارد اختلاف حساب وجود دارد. در مورد دارایی‌های دیگر، بانک مرکزی رقمی حدود چهار میلیارد دلار را با تأکید بر اینکه آمار دقیق ندارد، ارائه می‌دهد و طرف مقابل چیزی بیش از

يك ميليارد دلار را شناسايي کرده است که باز رقم دقيق نيست. ثانياً مبلغ دريافت شده فوري دولت جمهوري اسلامي نزديک به 8 ميليارد دلار بوده که طبيعتاً از آن مبلغ، وامهاي معوقه و آتي حال شده بايد پرداخت شود. ثالثاً آنچه که از اين مبلغ، فوراً به حساب بانک مرکزي ايران واريز شده مبلغ 2/88 ميليارد دلار است، و 1/418 ميليارد دلار مورد اختلاف نيز در حساب دولت الجزاير است که اگر بانک مرکزي اسناد آن را ارائه دهد، مي‌تواند مالک تمام آن گردد. از کل سپرده‌ها مبلغ 2/2 ميليارد هم حداکثر تا دهم تيرماه 1360 در اختيار بانک مرکزي قرار خواهد گرفت.

و اما در مورد داراييهاي که ميزان آنها نامعلوم و همگي در توقيف دادگاههاي امريکا است، چنانچه قرار بود پس از بازگشت تمام آنها - به فرض موافقت امريکا - گروهگانها آزاد ميشدند، اصولاً نقض غرض شده بود؛ زيرا که انتقال برخي از اقلام کالاهاي مزبور ممکن است چندين سال به درازا بکشد و چه بسا اگر گروهگانها محاکمه ميشدند، محکوميت

بسیاری از آنها کمتر از این مدت می‌شد. در خاتمه بحث، دولت جمهوری اسلامی دو تذکر را ضروری می‌داند: اول اینکه در هیچ شرایطی تعهداتی بیش از آنچه که این دولت از امریکا گرفته قابل وصول نبوده و نخواهد بود مگر بر اساس عملکرد های سازشکارانه و یا در گفتگوهای خصوصی غیررسمی. آنچه که به دست آمده بالاترین تعهداتی است که می‌توان از امریکا با توجه به قوانین آن کشور گرفت. تذکر دوم اینکه هیچ تعهد اضافی از امریکا به خاطر وجود 52 نفری که کوچکترین ارزشی حتی برای جانشان قائل نبود، نمی‌توان گرفت و اینکه تصور شود ما دیگر وسیله ای برای اعمال فشار به امریکا نداریم بی اساس است. و ذکر این نکته نیز ضروری است که حتی اگر جاسوسخانه اشغال نمی‌شد، ما هرگز موفق به گرفتن این مقدار از حقوق و داراییها و تعهد مابقی آن از امریکا نمی‌شدیم.

حال انتقاد دسته دوم که مخالف اصل اشغال جاسوسخانه هستند را مطرح کرده و با وجود اینکه دفاع از اشغال جاسوسخانه و پاسخگویی به انتقادات

مذبور قانوناً برعهده دولت جمهوری اسلامی ایران نیست، ولی شرعاً خود را مکلف میدانیم پاسخهای مقتضی به این دسته بدهیم.

مخالفین سرسخت و قدیمی اشغال جاسوسخانه می‌گویند که این عمل «احساسات ضداسلامی و ضدایرانی را در مقیاس جهانی» تهییج کرده، ما را دچار «تحریم اقتصادی»، از دست رفتن باقیمانده ذخایر ارزی آزاد، و رکود و انحطاط رشد اقتصادی ملی» کرده و «زمینه‌های جنگ ایران و عراق» را فراهم کرده است. آنها با اشاره به افشاگریهای دانشجویان می‌گویند «فرهنگ دروغ و تزویر» در جامعه پس از اشغال جاسوسخانه اشاعه یافته است. در اثر اشغال جاسوسخانه در جهان منزوی شده و در یک جمله، با گروگانگیری خود، گروگان آمریکا شده ایم.

این دسته در حقیقت ماهیت انقلاب اسلامی ما و حتی هر انقلاب دیگری را به درستی درک نکرده‌اند. اینها تمام تضییقاتی را که به امت ما وارد می‌شود معلول گروگانگیری میدانند و حال آنکه با بررسی اجمالی حتی انقلابات غیراسلامی

که سیاست‌های سازشکارانه را نیز تعقیب کرده‌اند، می‌توان پی برد که پیامد تمام آنها حصر اقتصادی و انزوای سیاسی و حتی حمله‌های مستقیم و غیرمستقیم نظامی است. حالا تمام این قبیل نابسامانیها را در رابطه با اشغال جاسوسخانه دانستن اگر ناشی از غرض نباشد از ناآگاهی سرچشمه می‌گیرد.

ممکن است سؤال شود که اگر استدلال فوق درست است، پس چرا تمام این نوع تضییقات پس از اشغال جاسوسخانه صورت می‌گیرد؟ پاسخ بسیار روشن است: تا اشغال جاسوسخانه هنوز امریکا با به‌روی کار آمدن حکومتی به اصطلاح «آزادمنش» و «میانه‌رو» در ایران دل بسته بود و لذا چهره منافقانه خود را حفظ می‌کرد تا بتواند با چنان حکومتی، بهترین روابط را برقرار سازد. ولی پس از اشغال جاسوسخانه و شکست سلیقه‌های غیرانقلابی در جامعه ما این امید مبدل به یأس شده و هرچه جامعه ما به حاکمیت خط اصیل امام که نفی هر نوع سازشکاری و گرایش به غرب و شرق است نزدیکتر شد، تضییقات و توطئه‌ها نیز شدیدتر شد و بالاخره با

شکل گرفتن سه قوه و اثبات آنها تهاجم نظامی صدام آغاز گردید.

به هر حال چنانچه این آقایان از بابت تضییقات مزبور و از دست رفتن «اقتصاد ملی» که همان صنایع مونتاژ وابسته است ناراحتند، باید به اصل انقلاب اسلامی انتقاد کنند، که اشغال جاسوسخانه تنها مرحله جدیدی در انقلاب مزبور بوده که به گفته امامان، انقلابی بزرگتر از انقلاب اول است. والسلام.

نمایندگان: احسنت، احسنت. الله اکبر، الله اکبر، الله اکبر.

خمینی رهبر. مرگ بر منافقین و صدام.

موافقتنامه امانی

این موافقتنامه امانی بین دولت ایالات متحده آمریکا، بانک فدرال رزرو و نیویورک به عنوان نماینده مالی ایالات متحده آمریکا و بانک مرکزی ایران به عنوان طرف ذینفع و بانک مرکزی الجزایر به عنوان نماینده امانی می‌باشد.

این موافقتنامه به منظور اجرای مفاد مربوطه بیانیه 29 دسامبر 1981 مطابق با 19 ژانویه 1981 دولت الجزایر (موسوم به «بیانیه») صورتی می‌گیرد. مفاد مزبور مربوط است به تنظیم قراردادهای امانی برای داراییهای ایران که به آزادی اتباع آمریکا در ایران بستگی می‌یابد.

1- برطبق تعهدات مندرج در بند 4 بیانیه و از تاریخ لازم‌الاجرا بودن این موافقتنامه، دولت آمریکا دستور انجام موارد ذیل را به بانک فدرال رزرو و صادر خواهد نمود:

الف- فروش کلیه اوراق بهادار دولت آمریکا که از تاریخ فروش تحت حفاظت و یا کنترل فدرال رزرو بوده و متعلق به دولت ایران و سازمانها و مؤسسات و واحدهای تحت کنترل یا اختیارش می‌باشد، به بهایی

که نرخ متوسط بازار در نیمه روز بوده و به نرخهای رایج در سه روز داد و ستد پیش از روز فروش.

ب- انتقال به بانک انگلیس به عنوان سپرده پذیر به منظور بستن کار کردن در دفاتر بانک مزبور به نام بانک مرکزی الجزایر به عنوان نماینده امانی مندرج در این موافقتنامه، کلیه اوراق بهادار (غیر از آنچه که در مورد اوراق بهادار دولت امریکا در فوق ذکر گردیده) و نیز وجوه (شامل وجوه دریافتی از فروش اوراق بهادار فوق الذکر امریکا) و شمش طلا که خالصیت آن کمتر از خالصیت و مرغوبیتی نباشد که در ابتدا به وسیله دولت ایران و سازمانها و مؤسسات و واحدهای تحت اختیارش به ودیعه گذارده شده و تحت حفاظت و کنترل فدرال رزرو بوده و در تاریخ انتقال فوق متعلق به دولت ایران و سازمانها و مؤسسات و واحدهای تحت اختیارش میباشد.

هنگامی که فدرال رزرو داراییهای فوق الذکر ایران به بانک انگلیس منتقل میسازد، فدرال رزرو به فوریت، سندی به بانک مرکزی الجزایر ارسال خواهد نمود که

حاوي كليہ اطلاعات لازم جهت شناسايي داريهاي ايران (نوع و منبع و مشخصات آن از نظر اصل و بهره) باشد.

جزئيات ويژه مربوط به اوراق بهادار و وجوه و شمش طلا متذکر در اين بند 1 که موضوع انتقال توسط فدرال رزرو است، در ضميمه الف پيوست مي‌باشد.

2- برطبق تعهدات مندرجه در بندهاي 5 و 6 و 8 بيانيه، دولت ايالات متحده امريکا دستور انتقال سپرده‌ها و اوراق بهادار متعلق به ايران را که در شعبات و ادارات خارجي بانکهاي امريکا است و نيز سپرده‌ها و اوراق بهادار متعلق به ايران را که در شعبات و ادارت داخلي بانکهاي امريکا مي‌باشد و همچنين کليه موجوديهاي ايران (وجوه و اوراق بهادار) را که در اختيار افراد و مؤسسات تابع مقررات و قوانين امريکا باشد، صادر خواهد نمود تا به فدرال رزرو و به‌عنوان نماينده مالي امريکا منتقل و سپس توسط فدرال رزرو به بانک انگليس انتقال يابد تا وجوه مزبور جهت بستانکاري به حسابي که در دفاتر بانک مزبور به نام بانک مرکزي الجزاير به‌عنوان نماينده امني

برطبق این موافقتنامه باز می‌شود، منظور گردد. (کلیه اوراق بهادار و وجوه نقد و شمش طلا متعلق به ایران مندرج در بند 1 بالا و نیز سپرده‌ها و اوراق بهادار و سایر وجوه متذکر در این بند 2 کلاً و جمعاً به نام «دارایدهای ایران» خوانده می‌شود).

3— تا زمانی‌که برطبق این موافقتنامه دارایدهای ایران توسط بانک انگلیس از فدرال رزرو دریافت می‌گردد، دارایدهای ایران به وسیله بانک انگلیس به نام و عنوان بانک مرکزی الجزایر به عنوان نماینده به شرح زیر نگاهداری خواهد شد:

— اوراق بهادار در یک یا چند حساب حفاظتی اوراق بهادار در بانک انگلیس به نام و عنوان بانک مرکزی الجزایر به عنوان نماینده امانی برطبق این موافقتنامه نگاهداری خواهد شد.

— سپرده‌ها و سایر وجوه در یک یا چند حساب دلاری که در بانک انگلیس به نام بانک مرکزی الجزایر به عنوان نماینده امانی برطبق این موافقتنامه باز می‌گردد، نگاهداری خواهد شد. بهره

متعلقه به این سپرده‌ها و وجوه عبارت خواهد بود از نرخ رایج در بازارهای خارج از امریکا.

– شمش طلا در بانک انگلیس در یک حساب حفاظتی شمش طلا به نام بانک مرکزی الجزایر به عنوان نماینده امانی برطبق این موافقتنامه نگاهداری خواهد شد.

– موضوع تفاهم اینکه بانک مرکزی الجزایر هیچ‌گونه، مسئولیتی در مورد هر نوع کاهشی در ارزش اوراق بهادار و شمش طلا و یا وجوهی که در بانک انگلیس به نام آن بانک به عنوان نماینده امانی برطبق مفاد این موافقتنامه نگاهداری می‌شود، نخواهد داشت.

4_ (الف) به مجرد اینکه دولت الجزایر کتباً به بانک مرکزی الجزایر اطلاع دهد که کلیه 52 نفر اتباع امریکایی مندرج در لیستی که در ماه نوامبر 1980 از طرف دولت امریکا به دولت الجزایر تسلیم گردیده و در حال حاضر در ایران نگاهداری می‌شوند به طور سالم از ایران عزیمت نموده‌اند، بانک مرکزی الجزایر به فوریت دستوراتی را که مخصوصاً در مفاد بیانیه و در تعهدات

دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر قید گردیده و قسمتی از مفاد این موافقتنامه را تشکیل می‌دهد، به بانک انگلیس صادر خواهد نمود. متعهدین مصمم هستند که به منظور برطرف ساختن هر نوع مشکلی که ممکن است در طول مدت اجرای مفاد این موافقتنامه پیش بیاید با حسن نیت عمل نمایند.

(ب) چنانچه:

(1) دولت ایران و یا دولت ایالات متحده آمریکا کتباً به دولت الجزایر اطلاع دهد که یادداشت لازم را به منظور پایان دادن به تعهدات مندرج در بیانیه فوق صادر نموده است، و

(2) بعد از انقضای 72 ساعت پس از دریافت چنین یادداشتی از طرف دولت الجزایر، بانک مرکزی الجزایر دستورات مندرج در بند فرعی (الف) فوق‌الذکر را به بانک انگلیس صادر نکرده باشد،

بانک مرکزی الجزایر دستوراتی را که به‌ویژه در مفاد بیانیه مشخص شده و همچنین تعهدات دولت ایالات متحده آمریکا

و دولت جمهوری اسلامی ایران را در مورد بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر به فوریت به بانک انگلیس صادر خواهد نمود.

(ج) در صورتی که گواهی دولت الجزایر که در بند فرعی (الف) به آن اشاره گردیده پیش از آنکه دولت امریکا به طور مؤثر تعهدات خود را انجام داده باشد صادر شود، داراییهای متعلق به ایران برطبق مفاد بند فرعی (الف) منتقل خواهد گردید.

(د) به وجوه و سپرده‌هایی که برطبق این موافقتنامه در بانک انگلیس نگاهداری شود، پس از انتقال آن به بانک مرکزی الجزایر به عنوان نماینده امانی، بهره‌ای معادل نرخ رایج در بازارهای پول خارج از ایالات متحده تعلق خواهد گرفت. و این چنین بهره جزو داراییهای ایران مندرج در بندهای فرعی (الف) و (ب) این بند 4 محسوب خواهد شد.

5- در تاریخ امضای این موافقتنامه به وسیله چهار طرف موافقتنامه، بانک مرکزی الجزایر و فدرال رزرو به منظور اجرای مفاد این موافقتنامه قرارداد فنی

را با بانك انگلیس تهیه خواهند نمود. برطبق همین قرارداد فنی بین فدرال رزرو و بانك انگلیس و بانك مركزي الجزایر، بانك فدرال رزرو نیویورک زیانها و مخارج وارده بر بانك انگلیس را به شرحی که در بند 10 آن پیشبینی گردیده است به بانك مزبور خواهد پرداخت. فدرال رزرو هیچگونه مبلغی از بانك مركزي الجزایر به عنوان مخارج و هزینه از بابت اجرای این موافقتنامه دریافت نخواهد داشت.

6- این موافقتنامه بلافاصله پس از امضای آن به وسیله هر چهار طرف و بعد از آنکه بانك مركزي الجزایر و فدرال رزرو قرارداد فنی را که در بند 5 این موافقتنامه ذکر گردیده است با بانك انگلیس فراهم آورده باشند، قابل اجرا خواهد بود.

7- این موافقتنامه در تمام مدت اعتبارش فقط با موافقت کتبی هر چهار طرف امضاکننده آن قابل اصلاح و تجدیدنظر و یا قابل لغو و فسخ خواهد بود.

8- هیچ قسمتی از این موافقتنامه، کلاً و یا جزئاً نمیتواند باعث ابطال هر

نوع مصونیتی باشد که بانک مرکزی الجزایر محق بر آن است.

9- يك نسخه از این موافقتنامه، به محض عملی بودن، به زبان فرانسوی تهیه خواهد شد. هر دو نسخه انگلیسی و فرانسوی بالسویه قابل ارزش و اعتبار خواهند بود.

10- این موافقتنامه می‌تواند در نسخ متقابل امضا گردد و هر یک از نسخ مزبور به‌عنوان نسخه اصلی شناخته می‌شود.

امضاکنندگان زیر به‌منظور گواهی، این موافقتنامه را در تاریخ 30 دی ماه 1359 (20 ژانویه 1981) امضا نموده‌اند:

بانک مرکزی ایران (امضا) دولت ایالات متحده امریکا (امضا)

بانک مرکزی الجزایر (امضا) بانک فدرال رزرو نیویورک به‌عنوان نماینده مالی ایالات متحده (امضا)

پیوست الف

اوراق بهادار، شمش طلا و جوهی که به بانک فدرال رزرو نیویورک انتقال داده خواهد شد:

«اوراق بهادار بانک بین‌المللی عمران و توسعه: 35 میلیون دلار (ارزش اسمی) شمش طلا: 1.632.197/746 اونس طلای خالص،

تحویل خوب، از نوع شمش طلای لندن به
خالصیت 995 در هزار و یا بهتر
وجوه نقد: در حدود 1/38 میلیارد دلار

تهران - به تاریخ 30 دی ماه 1359 (30) ژانویه 1981)

اینجانب موافقت خود را با تغییرات
زیر در متن موافقتنامه امانی بین دولت
ایالات متحده امریکا، بانک فدرال رزرو
نیویورک به عنوان نماینده مالی ایالات
متحده، بانک مرکزی ایران به عنوان طرف
ذینفع و بانک مرکزی الجزایر به عنوان
نماینده امانی بدین وسیله تأیید می‌نمایم:
1- در پایان بند 4 قسمت الف بعد از
عبارت «ضمیمه بیانیه» عبارت «و اجرای
توضیحات فنی و راهنمایی‌های ناشی از آن،
هر سه» حذف می‌شود و جمله زیر که آخرین
جمله در بند مذکور است اضافه می‌گردد:
«متعهدین مصمم هستند که به منظور برطرف
ساختن هر نوع مشکلی که ممکن است در طول
مدت اجرای این موافقتنامه پیش بیاید با
حسن نیت عمل نمایند».

2- در پایان بند 4 قسمت (ب) (2)
کلمات «و اجرای توضیحات فنی و

راهنماییهایی ناشی از آن» حذف می‌شود.
بانک مرکزی ایران (امضا)

ترتیبات فنی
بین بانک مرکزی الجزایر به عنوان
نماینده امانی
و رئیس و شرکت بانک انگلیس و بانک
فدرال رزرو نیویورک
به عنوان نماینده مالی ایالات متحده
20 ژانویه 1981

این ترتیبات فنی بین بانک مرکزی الجزایر (که از این به بعد به عنوان «نماینده امانی» خوانده خواهد شد) به عنوان نماینده امانی و بانک مرکزی انگلیس (که از این به بعد به عنوان «بانک» خوانده خواهد شد) و بانک فدرال رزرو نیویورک که به عنوان نماینده مالی ایالات متحده (که از این به بعد به عنوان «فدرال رزرو» خوانده خواهد شد) منعقد شده است.

1- بدین وسیله «بانک» منصوب می‌شود تا وجوه و سایر دارایی‌های (که از طرف فدرال رزرو با مسئولیت انحصاری خودش در موقع انتقال) شناسایی شده و ممکن است توسط وی به «بانک» منتقل گردد و همچنین سایر وجوه و دارایی‌هایی که معرف چنین

وجوهي مي‌باشد و داراييهاي ديگري را كه ممكن است هرچند گاه به وسيله بانك در چنين حسابهاي نگاهداري و يا برطبق بند 4 اين ترتيبات، سرمايه‌گذاري شود (و تمام اين وجوه و داراييها به‌طور دسته‌جمعي به‌عنوان «وجه امني» خوانده مي‌شود) نگاهداري، سرمايه‌گذاري و توزيع نمايد. تا موقعي كه وجوه امني برطبق مفاد بند 7 زير توزيع گردد، بانك به‌عنوان امانت‌دار عمل نموده و وجوه امني را برطبق ترتيبات مشروح در اين سند سرمايه‌گذاري خواهد نمود.

2- «بانك» حسابهاي زير را به نام نماينده امني بازخواهد نمود:

(الف) دو حساب مسدود اوراق بهادار عبارت از حساب مسدود اوراق بهادار شماره 1 و حساب مسدود اوراق بهادار شماره 2 («حسابهاي مسدود اوراق بهادار»).

(ب) سه فقره حساب به دلار امريكا، «حساب دلار امريكايي شماره 1»، «حساب دلار امريكايي شماره 2» و «حساب دلار امريكايي شماره 3».

(ج) يك حساب مسدود شمش طلا («حساب

شمس»؛ و وقتي که از طرف فدرال رزرو جهت واریز به چنین حسابها انتقال داده شود، اوراق بهادار را به حساب مسدود اوراق بهادار شماره 1، سپرده های دلاری را به حساب دلاری شماره 1 و شمش طلا را به حساب شمس واریز خواهد نمود و مشخصات عمومی وجوه و سایر داراییها را که بدین ترتیب منتقل می شود در دسترس نماینده امانی خواهد گذاشت.

3- بانک امور زیر را انجام خواهد

داد:

(الف) اوراق بهادار را برطبق این قرارنامه فعلاً در حسابهای مسدود اوراق بهادار نگهداری خواهد نمود.

(ب) شمش طلا را برطبق مفاد این قرارنامه فعلاً در حساب شمش نگهداری خواهد نمود؛ و

(ج) وجوه را برطبق مفاد این قرارنامه و به منظور اطمینان از تبدیل آن به پول فعلاً در حسابهای دلاری نگهداری خواهد نمود.

4- (الف) بانک با در نظر گرفتن

شرایط، کوشش صادقانه به خرج خواهد داد تا وجوه حسابهای دلاری را به نرخ بازار

در بانک‌هایی به تشخیص خود بانک و به‌طرز و نحوه تشخیص خود بانک، سرمایه‌گذاری تکراری نماید و به‌عنوان بهره متعلقه به وجوه این حساب‌های دلاری مبلغی معادل بهره‌های دریافت شده پرداخت خواهد نمود. معهداً از حساب دلاری شماره 2 مبلغی معادل مبالغ هزینه‌ها و مخارج معقول از بابت نگاهداری و عملکرد حساب دلاری شماره 2 قابل برداشت خواهد بود.

(ب) هر مقدار بهره عایدی از بابت اوراق بهادار موجود در حساب مسدود اوراق بهادار شماره 1 به حساب دلاری شماره 1 واریز خواهد شد. و هر مقدار بهره عایدی از بابت حساب مسدود اوراق بهادار شماره 2 به حساب دلاری شماره 3 واریز خواهد گردید.

5- بانک کلیه مبالغ عایدی به‌عنوان بهره از بابت هر قسمت وجوه امانی را فعلاً به‌همان ترتیب مربوطه وجوه سپرده در حساب‌های دلاری سرمایه‌گذاری خواهد نمود.

6- بانک هیچ‌گونه مسئولیتی به‌علت هر نوع کاهش در ارزش اوراق بهادار و یا شمش طلا که فعلاً به وسیله بانک به‌نام

نماینده امانی به‌ترتیب در حسابهای مسدود اوراق بهادار و در حساب شمش نگاهداری می‌شود، نخواهد داشت.

همچنین نماینده امانی هیچ‌گونه مسئولیتی به‌علت هر نوع کاهش در ارزش اوراق بهادار و یا شمش طلا که فعلاً به‌نام آن به‌وسیله بانک به‌ترتیب در حسابهای مسدود بهادار و در حساب شمش نگاهداری می‌شود، نخواهد داشت. به‌علاوه نماینده امانی از بابت خسارت و زیان ناشی از سرمایه‌گذاری وجوه نگاهداری شده در حسابهای دلاری جهت نماینده امانی هیچ‌گونه مسئولیتی نداشته و نخواهد پذیرفت.

به‌علاوه نماینده امانی مسئول پرداخت هیچ نوع مخارج و هزینه‌ها و کارمزدی که از طرف بانک و یا فدرال رزرو در انجام وظایف مربوطه تحت این قرارنامه پیش بیاید نبوده و مسئول شناخته نخواهد شد.

7- بانک در انجام وظایفش تحت مفاد این قرارنامه، هیچ نوع حزم و احتیاطی به‌منظور طرفداری از یکی از طرفین این قرارنامه به‌کار نخواهد برد و فقط مطابق

دستورات نماینده امانی رفتار خواهد کرد.

(الف) به شرط آنکه هیچگونه دستور قبلی تحت مفاد بند فرعی (ب) در زیر دریافت نشده باشد، به محض دریافت دستورات لازم از نماینده امانی در این مورد که به صورت دستور مندرج در بند 8 در زیر خواهد بود، بانک بلافاصله وجوهی را که در آن موقع در حساب دلاری شماره 1 نگا هداری می شود، به طریق ذیل انتقال خواهد داد:

(1) 3.667.000.000 دلار امریکا به فدرال رزرو که منحصراً تابع دستور فدرال رزرو خواهد بود.

(2) 1.418.000.000 دلار امریکا به حساب دلاری شماره 2؛ و

(3) بقیه به بانک حساب بانک مرکزی ایران که در بانک باز شده و منحصراً تابع دستور بانک مرکزی ایران خواهد بود.

و نیز انتقال اوراق بهادار و شمش که در آن موقع به ترتیب در حساب مسدود اوراق بهادار شماره 1 و در حساب شمش نگا هداری می شود، به حساب بانک مرکزی

ایران در بانک و منحصرأ تابع دستور بانک مرکزی ایران خواهد بود.

(ب) به شرط آنکه هیچگونه دستور قبلی تحت مفاد بند فرعی (الف) در فوق دریافت نشده باشد، به محض دریافت دستورات از نماینده امانی در این مورد که به صورت دستور مندرج در بند 8 در زیر خواهد بود، بانک بلافاصله وجوه امانی را به حساب فدرال رزرو و در بانک انتقال خواهد داد که منحصرأ تابع دستور بانک فدرال رزرو خواهد بود، و کلیه حسابهای را که در بند 2 این قرارنامه قید گردیده است خواهد بست.

(ج) پس از دریافت و اجرای دستور مندرجه در بند فرعی (الف) بالا به وسیله بانک، هرگونه وجوه اوراق بهادار که بانک فدرال رزرو جهت واریز کردن بهر یک از حسابهای قید شده در بند 2 این قرارنامه دریافت نماید، به استثنای حساب دلاری شماره 2، برطبق دستورات نماینده امانی به صورت دستور مندرج در بند 8 در زیر، به حساب بانک مرکزی ایران در بانک واریز خواهد شد که منحصرأ تابع دستور بانک مرکزی ایران خواهد بود، و به حساب

دلاري شماره 3 و به حساب مسدود اوراق بهادار شماره 2 در بانك به نام نماينده امني و اريز خواهد گرديد.

حداكثر 30 روز پس از اين تاريخ، نماينده امني دستور لازم را به بانك صادر خواهد نمود تا وجوه اوراق بهادار در اين حسابها را به بانك مورد نظر نماينده امني به حساب بانك مركزي الجزاير انتقال دهد.

(د) بانك به محض دريافت دستورات لازم از نماينده امني در اين مورد به صورت دستور مندرج در بند زير، امور زير را به محض عملي بودن انجام خواهد داد:

(1) انتقال از حساب دلاري شماره 2 به فدرال رزرو مبلغ تعيين شده برطبق دستورات قيد شده كه منحصرأ تابع دستور فدرال رزرو خواهد بود، به شرط آنكه در زمان مبلغ كافي در حساب دلاري شماره 2 جهت چنين انتقالي باقي باشد؛ و يا

(2) انتقال باقيمانده وجوه در حساب دلاري شماره 2 به حساب بانك مركزي ايران در بانك كه منحصرأ تابع دستورات بانك مركزي ايران خواهد بود و بستن حساب

دلاري شماره 2.

(هـ) نماینده امانی حق صدور هیچ‌گونه دستوری به بانک را نخواهد داشت به‌جز آنچه که در بند 7 قید شده است، و بانک بدون هیچ نوع استفسار اضافی ملزم به اتکای به‌هرگونه دستوری که در چارچوب این بند می‌باشد، خواهد بود، و هر نوع انتقال از طرف بانک برطبق هرگونه دستورات صادره به بانک تحت مفاد بند 7، عبارت از انجام وظیفه خوب از جانب بانک خواهد بود.

8 — (الف) به‌منظور ارزشیابی و اطمینان از صحت یادداشتهای و دستورات پرداختها و انتقالات، بانک و نماینده امانی رموز تلگرافی را بین همدیگر مبادله خواهند نمود؛ مع هذا دستورات قید شده در بندهای 7 (الف) و 7 (ب) به‌صورت کتبی صورت گرفته و شخصاً به یکی از دو مقصد زیر ارسال خواهد گردید:

(1) یا به بانک و یا

(2) به معاون رئیس بانک نام و عنوان بانک در سفارت انگلیس در الجزایر و به شرح مندرج در بند فرعی (ب) زیر، صحت آن گواهی خواهد شد. چنانچه

صحت يك امتحان تلگرافى مورد سؤال و تردید باشد، بانك و نماینده امانى موافقت می‌کنند که به منظور تأیید صحت موضوع ارسال شده، به وسیله تلکس و یا هر وسیله مناسبی هر چه زودتر با یکدیگر تماس برقرار کنند.

(ب) بانك و نماینده امانى لیستی از اسامی اشخاصی که مجاز به امضا و یا مبادله هر نوع یادداشت و دستور کتبی باشند که تحت مفاد این قرارنامه لازم و اجازه داده شده است، در دسترس همدیگر قرار داده و امضای اینگونه اشخاص تعیین شده را معرفی و تأیید خواهند نمود و اینگونه لیستها در موارد لزوم تجدیدنظر خواهند شد. کلیه اینگونه یادداشتهای و دستورات صادره به بانك به محض وصول به وسیله بانك قابل اجرا خواهند بود. بانك اجباری به اقدام در باره چنین یادداشت و یا دستوری نخواهد داشت مگر آنکه به طرز صحیح امضا و اصل بودن آن تأیید گردیده و به صورت مندرج در این بند ارسال شده باشد.

9- به غیر از آنچه که در این بند 8 (الف) در فوق آمده است، هرگونه مشاوره

و یادداشتهای کتبی و یا دستوراتی که از طریق این قرارنامه مجاز و لازم باشد به طرفهای مندرج در زیر نشانی‌های مربوطه آنها داده خواهد شد:

(1) به بانك به نشانی:

کوچه ثردنیدل

لندن ای سی 2 آر 8 آچ

به: د. ه. ف. سامرست

ج. گ. دریک

و. ب. مول

(2) به فدرال رزرو به نشانی:

33 کوچه لیبرتی

نیویورک، نیویورک 10045

به: ه. دیوید ویلی

جورج راین

(3) به نماینده امانی به نشانی:

8 بلوار زیغوت یوسف

الجزیره، الجزایر

به: آقای محمد باسخواد

آقای بشیر سائل

آقای موهاند کیرات

آقای لاکضر بنوطاف

10 — فدرال رزرو از بابت هرگونه

خسارت و هزینه‌ای که ممکن است به علت امور انجام شده و یا انجام نشده برطبق و در رابطه با این قرارنامه از طرف بانک پیش بیاید، غرامت پرداخت و بانک را از هرگونه مسئولیتی مصون خواهد داشت، به استثنای:

(الف) هر نوع خسارت و هزینه‌ای که نتیجه سهل‌انگاری و سوءرفتار عمدی خود بانک باشد، و

(ب) هرگونه خسارتی که ناشی از سرمایه‌گذاری و جوهی باشد که در حسابهای دلاری شماره 1، شماره 2 و شماره 3 برای نماینده امانی نگاهداری می‌شود.

11- بانک می‌تواند در عملکرد خود نسبت به هر سند و دستور و یادداشت و راهنمایی که به وسیله نماینده امانی برطبق بند 7 صادر شده و به طریق معقولانه‌ای معتقد به اصل بودن و صحت آنها بوده و این مدارک به وسیله شخص و یا اشخاص مناسب مسئول امضا و ارسال شده باشد، اعتماد نموده و محافظت شود.

12- بانک از بابت هیچ عمل انجام شده و یا انجام نشده مسئول نخواهد بود مگر آنکه انجام چنین عمل و یا عدم انجام آن

در نتیجه سهل‌انگاری و یا سوءرفتار عمدی از طرف خود بانک باشد.

مفاد این بند هیچ‌گونه خسارتی که ناشی از سرمایه‌گذاری وجوه نگاهداری شده برای نماینده امانی در حسابهای دلاری باشد، نمی‌گردد.

13- (الف) بانک به محض اینکه عملی باشد، بلافاصله پس از هر نوع تغییری در تتمه حسابها و سپرده‌ها و بهره متعلقه و یا برداشتهای حسابهای شش‌گانه که به وسیله بانک برای نماینده امانی برطبق مفاد بند 2 این قرارنامه باز شده، نماینده امانی را به وسیله تلکس مطلع خواهد نمود.

(ب) بانک به وسیله تلکس، لیستی از کلیدیه وجوه برداشتی و واریزی حسابهای شش‌گانه را که در بند فرعی (الف) به آن اشاره شده است، به فدرال رزرو ارسال خواهد نمود.

14- بانک و فدرال رزرو بدین وسیله قبول می‌کنند که نماینده امانی، یک بانک مرکزی می‌باشد که دارای‌های آن معمولاً محق به مصونیت کامل یک بانک مرکزی تحت مفاد قانون مصونیت دولتی مورخ 1978

انگلستان است. هیچ مطلبی در این قرارنامه کلاً یا جزئاً به‌عنوان ابطال هیچ نوع مصونیتی که محق بر آن باشد، نخواهد بود.

15- هیچ مطلبی در این قرارنامه بانک را ملزم به تخلف از قوانین انگلستان و یا هر تصمیم دادگاه تحت کنترل آن نخواهد نمود. بانک بدین وسیله تأیید می‌نماید که هیچ یک از مفاد این قرارنامه برخلاف قوانین انگلستان نمی‌باشد.

16- مفاد این قرارنامه قابل تعدیل و تغییر نمی‌باشد جز از طریق سند رسمی که عنداللزوم به‌وسیله و یا از طرف نماینده امانی و بانک فدرال رزرو تنظیم و امضا گردد.

17- این قرارنامه در متون انگلیسی و فرانسوی نوشته شده است؛ اما در صورت وجود هرگونه تضاد و اختلاف بین دو متن، متن انگلیسی آن ارجحیت خواهد داشت.

18- قرارهای قید شده در اینجا تحت قوانین انگلیس کنترل شده و برطبق همان قوانین قابل تعبیر و تفسیر خواهد بود.

به تاريخ 30 ديماء 1359 (20 ژانويه 1981)

بانك مركزي الجزاير (امضا)

رئيس و شركت بانك انگليس (امضا)

بانك فدرال رزرو نيويورك به عنوان نماينده

مالي ايالات متحده (امضا)

15. Nothing herin shall require the Bank to violate the laws of England or any court order thereunder; the Bank confirms that none of the provisions of this Arrangement is in violation of the laws of England.

16. The provision hereof may not be modified or changed except by an instrument in writing duly executed by or on behalf of the Escrow Agent, the Bank and the FED.

17. This Agrrangement is written in English and French texts but, in the event of any conflict between the two texts, the English text shall prevail.

18. The arrangements described herein shall be governed by and construed in accordance with the laws of England.

Dated 20th January 1981

Banque Cetrale d'Algérie

By Mohamed Bessekhoud

Lakhoar Benouataf

The Governor and Company of the Bank of England

By C.W. McMahon

D.H.F. Somerset

Federal Reserve Bank of New York as fiscal agent of the United States by Ernest T. Patrikis